فانوس

لبیک امام

۳۲

در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی/شماره سی و دوم/پاییز ۱۳۹۵

رزمایش اربعین، آمادگی برای ظهور

گفتاری از حاج حسین یکتا





فانوس

فانوس ـ در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی ـ شماره سی و دوم، پاییز ۱۳۹۵

رزمایش اربعین، آمادگی برای ظهور
گفتاری از حاج حسین یکتا

در اولین همایش ملی هیأت‌های فعال در عرصه اربعین

زمان: آبان ماه سال ۱۳۹۴

مکان: قم، جمکران

ویرایش و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر
صفحه‌آرا: حسن ناصری
طراح جلد: سید مجتبی نبی‌زاده
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
قیمت: ۲۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش)



جامعه ایمانی مشعر
تلفکس: ۰۲۵ ـ ۳۲ ۹۲ ۸۹ ۵۱
رایانامه: info@۱۵۴۲.org

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

با نگاه به گذشته می‌توان گفت که کاروان‌های راهیان نور از دل هیأت‌ها و دانشگاه‌ها به‌وجود آمدند و با اندک تأمل می‌توان فهمید که روایتگری، رفتن به مزار شـــهدا، تفحص، ســـفر به منطقه‌های عملیاتـــی و کاروان راهیان نور تمرین و مقدمه‌ای برای پیاده‌روی اربعین بوده اســـت. گویا تکرار عملیات عظیم راهیان نور در هر سال و همه این کاروان‌بردن‌ها و سازمان‌دهی‌ها یک رزمایش بوده تا امروز برای عملیات بزرگ‌تری به نام اربعین آماده شویم. حتی می‌توان گفت سال‌ها جنگ در جنوب و در کردســـتان رزمایشی برای همکاری مستشاری ما در سوریه و عراق و ... بود. در زمان جنگ، چند روز پیش از عملیات به رزمایش می‌رفتیم و در زمینی مشابه زمین منطقه عملیاتی تمرین می‌کردیم. مثلاً برای عبور از خیّن به‌مدت یک ماه نیمه‌شـــب داخل کانال‌های آب سرد، که از سد دز جدا شده بود، غواصی می‌کردیم. آن‌طرف کانال هم تیربار دوشکا قرارداشت که اگر

متوجه ما می‌شد، به سمت ما تیراندازی می‌کرد. دراین‌صورت کل ستون به‌اجبار برمی‌گشت و بعد از یک ساعت استراحت دوباره کار را شروع می‌کرد. چون عملیات ما باید دشمن را غافلگیر می‌کرد. بنابراین عملیات بزرگی که در راه‌اندازی راهیان نور انجام شد ـ و هنوز هم ادامه دارد و توسعه پیدا کـــرده ـ ما را برای عملیاتی بزرگ‌تر، جابه‌جایی یگان‌به‌یگانی بزرگ‌تر و برای بردن چنین کاروان بزرگ‌تری آماده می‌کرد. نبرد هشت سال دفاع مقدس نیز درحقیقت ما را برای آموزش به بچه‌های جبهه مقاومت در اقصی‌نقاط دنیا آماده می‌کرد. امروز نتیجه آموزش‌های مؤثر و مفید ما در لبنان، سوریه و عراق مشهود است.

تکـــرار عملیـــات عظیـــم راهیان نور در هر ســـال و همه این کاروان‌بردن‌ها و ســـازمان‌دهی‌ها یک رزمایش بوده تا امروز برای عملیات بزرگ‌تـــری به نام اربعین آماده شویم.



ضرورت ساماندهی کاروان‌های اربعین

چه خوب اســـت که این جمع حاضر با یکدیگر هم‌عهد و هم‌پیمان شـــوند تا برای بردن کاروان اربعین، به نظم مطلوبی در برنامه‌ها، سخنرانی‌ها، روضه‌ها و موکب‌ها برسند. رسیدن به این نظم نیازمند یک سامانه مدیریتی قوی است. ما قصد داشتیم این کار را انجام دهیم ولی سال گذشته پس از بازگشت از زیارت اربعین این طرح را متوقف کردیم. چون با این جمع مرتبط نشده بودیم. یکی از دلایل اشتیاق ما برای دیدار با شما، گفتگو در همین زمینه بود. چون ما ستاد و عقبه نداریم و حرکت‌هایمان مردمی است. در جبهه‌ها هم بار اصلی، مثل شما، روی دوش یگان‌های عملیاتی بود. مثل بچه‌های کف کار جبهه و بچه‌های پشت خاکریز که به رده‌های بالای جنگ می‌رسیدند اگر از جمع نیروهای عملیاتی مؤسسات و هیأت‌ها هم کسی بالا بیاید مثل حسن باقری و امثال ایشـــان می‌شود. مثلاً اگر می‌بینید این بچه‌ها امروز زبان شما را خوب می‌فهمند و یا پای بچه‌ها

ایستاده‌اند، چون در حد خودشان هیأت‌داری کرده‌اند یا یک مؤسسه تربیتی با نگاه شهید آوینی در شهرشان داشته اند؛ به همین دلیل امروز با شما مفاهمه می‌کنند.
تصور کنید هر کاروان یک اتوبوس باشـــد و هر اتوبوس هم یک مدیر و یک روحانی داشته باشد. الان حدود هزار روحانی برای تبلیغ در ایام اربعین ســـازماندهی می‌شـــوند. آن‌ها برای یک کار جهانی، چهره‌به‌چهره و برای ارتباط با بحث‌های بین‌المللی آماده می‌شوند. آنچه فراوان است، طلبه آماده برای جهاد و عملیات است. مشکل این است که جایی برای سازماندهی و به‌کارگیری آن‌ها وجود ندارد. خودشـــان یک‌دنیا کار جهادی دارند. ولی آمادگی دارند در جای دیگر هم عملیات کنند. باید ببینیم در این سفر دنبال چه چیزی هستیم. دراین‌صورت مخاطب هر کاروان معلوم می‌شـــود. باتوجه‌به محدودیت کاروان‌ها، حق نداریم هر کســـی را با خود ببریم. هرچند زائر امام حسین(ع) را خود ایشان دعوت می‌کنند و ما کاره‌ای نیستیم. ولی ما قطعاً می‌توانیم هدف‌گذاری کنیم. مثلاً می‌توانیم فقط دانش‌آموز، دانشـــجو یا خادم هیأت‌ها را ببریم و حتی نسبت جمعیت زنان و مردان را مدیریت کنیم.

چه خوب است که این جمع حاضر با یکدیگر هم‌عهد و هم‌پیمان شوند تا برای بردن کاروان اربعین، بـــه نظم مطلوبی در برنامه‌ها، سخنرانی‌ها،روضه‌ها و موکب‌ها برسند.



می‌توان برای سال آینده حدود ۳۵۰۰ دستگاه اتوبوس را برای حدود ۱۵۰هزار زائر بـــه‌کار گرفت. وقتی ایـــن تعداد زائر را سازماندهی کردید مثـــل این است که یک سپاه صدهزارنفری را به عملیات کربلای ۴ برده‌اید.

کاروان‌های اربعین بستری برای کادرسازی

فرض کنید یک کاروان فقط در حد یک اتوبوس باشد که یک مدیر، یک روحانی و یک مسئول تدارکات داشـــته باشد. حالا چرا یک اتوبوس؟ چون اگر اتوبوس گم شود، زائر سرگردان می‌شود. زائرین باید تجمیع، هدایت و مدیریت شـــوند. ما در عراق، در زمینی غیر از زمین خودمان بازی می‌کنیم و در کشـــوری دور از کشور خودمان هســـتیم. روابط و زبان در آنجا با روابط و زبان در اینجا تفاوت دارد. آنجا وارد یک مرز و مســـیر شلوغ می‌شـــویم که هر لحظه ممکن است اتفاق پیش‌بینی‌نشدهٔ امنیتی، غیرامنیتی و اداری رخ دهد. این‌ها چیز کمی نیست.

اگر زائرین اربعین این‌گونه ســـازماندهی شـــوند، می‌توان در این سفر به مدیرانمان، مدیریت را آموخت و به روحانیون کاروان، تبلیغ را آموزش داد. می‌توان مســـئولین تدارکات این کاروان‌های کوچک را به یک تدارکات مرکزی وصل کرد. اگر ما در این کاروان یک امدادگر داشـــته باشـــیم، می‌توانیـــم او را به بخش‌های امدادی بزرگ‌تر وصل کنیم. چون به‌هرحال در این ســـفر ناامنی، تصادف، بیماری و ... وجود دارد. در زمان جنگ هم هر گردان بخش‌های گوناگونی مثل فرماندهی، تدارکات و ... داشت. باید تصور کنید که این کاروان‌های زیارتی به عملیات اعزام می‌شوند.



برگزاری برنامه نمادین اعزام کاروان‌های اربعین

می‌توان برای سال آینده حدود ۳۵۰۰ دستگاه اتوبوس را برای حدود ۱۵۰هزار زائر به‌کار گرفت. وقتی این تعداد زائر را سازماندهی کردید مثل این است که یک سپاه صدهزارنفری را به عملیات کربلای ۴ برده‌اید. الان این کار از میان این جمع یک مدیر می‌خواهد که انگیزه این کار را داشته باشـــد و پای کار بایستد. می‌توان این صدهزارنفر را برای افتتاحیه سفر در استادیوم آزادی جمع کـــرد و ترتیبی فراهم کرد که رهبر معظم انقلاب هم بـــرای این جمع یک پیام صادر کنند. اگر نمی‌توانید از قم به اســـتادیوم آزادی بیایید، آقا را به جمکران دعوت کنید تا بعد از نماز صبح در حیاط جمکران برای افتتاحیه کاروان‌های اربعین در جمع صدهزار زائر کربلا صحبت کنند. این افتتاحیه نیازمند سازماندهی، مدیریت آموزش‌دیده و قدرت جابه‌جایی نیرو است.

بعد از اربعین باید سازماندهی این کار را آغاز کرد. جبهه مردمی باید قدرت این کار را داشته باشد.

اتوبوس‌ها را هم خود هیأت‌ها بیاورند تا به نظام هزینه وارد نشود. مانند هرسال که اقشار گوناگون و مردم شهرهای مختلف به دیدار رهبر انقلاب می‌آیند می‌توان یک روز هم در ماه صفر، روز دیدار اربعینی‌ها با آقا باشد. محل دیدار هم حیاط جمکران باشد و همه هم پرچم یا لثارات الحسین‌علیه‌السلام را در دست گرفته باشند. این کار به فضل خدا شدنی است و من برای همین اینجا هستم. امسال که اربعین به کربلا می‌روید این را بخواهید. بعد از بازگشت از کربلا برای ۲۸ صفر برنامه پیاده‌روی از نیشابور به مشهد را راه بیندازید. کل یگان بعد از سفر کربلا با هم به زیارت امام رضاعلیه‌السلام بروید. دراین‌صورت می‌توان نیمه شعبان با شما در جمکران قرار گذاشت و با امام زمان‌علیه‌السلام عهد و پیمان بست. مردم هم الان اوقات فراغت و اردو و زیارت را دوست دارند. باوجود گرانی و گرفتاری، مردم زیارت را دوست دارند. اگر کسی اعلام کند که کاروان زیارتی داریم، مردم می‌آیند و پولش را هم می‌دهند. حتی شما از این کار سود مادی می‌برید و با سودش می‌توانید اتوبوس هم بخرید. وقتی همه با هم جمع شدند می‌توان اردوگاه هم خرید. در کربلا و نجف هم زیرساخت‌ها را درست کرد. با برنامه‌ریزی در جمکران باید کاری کرد که دل‌ها متوجه امام عصرعلیه‌السلام و منجی شوند. تاآنجاکه به «مستشهدین بین یدیه» برسند. باید بدانیم که در کاروان راهیان نور برای کجا آماده می‌شویم. در اربعین باید هوشیار باشیم که برای امر دیگری آماده می‌شویم. کاروان اربعین فقط دور هم جمع‌شدن نیست. ما را کشانده‌اند تا چیزی به کام ما بچکانند. حتی می‌توان این برنامه را با سازمان حج هماهنگ کرد. به‌جای ثبت‌نام در سایت هم می‌توان مانیفست تهیه کرد تا دریافت روادید منسجم‌تر شود. نیروهای پشتیبانی هم در کربلا شرایط اسکان را فراهم کنند و ... .

پس مسئله این نیست که هیأت فقط یک کاروان به کربلا ببرد. مسئله فراتر از بردن کاروان است. من در فتنه ۸۸ گفتم: «پس بچه‌هیأتی‌ها کجایند؟». اگر علیه نظام فتنه شود، هیأتی‌ها باید وارد عمل شوند. اول نباید بسیج بیاید. اول باید مردم بیایند، بعد بسیج و بعد هم سپاه. نباید اول بسیج

مردم هم الان اوقات فراغت و اردو و زیارت را دوست دارند. باوجود گرانی و گرفتاری، مردم زیارت را دوست دارند. اگر کسی اعلام کند که کاروان زیارتی داریم، مردم می‌آیند...

را با آن عظمت و جایگاه و پیشـــینه وارد خیابان‌ها کرد که موجب بدبینی مردم هم شود. مانند روزی که هیأتی‌ها بعد از فتنه روز عاشورا به خیابان‌ها ریختند. اگر قرار است کسی تیر و ترکشی بخورد، هیأتی‌ها باید پیش‌قدم باشند. یعنی هیأتی‌ها و مردم باید وسط میدان باشند.



نگاه راهبردی به هیأت و کاروان‌های اربعین

هیأت‌ها در دهه محرم ســـازماندهی دارند و وظیفه آبدارچی، ســـینه‌زن، مداح، آشپز و ... در آن مشـــخص است. این سازماندهی، هم زیباست، هم منظم. برای اعزام کاروان هم باید سازماندهی منظم داشت. این سازماندهی تعامل ما را با نظام و حاکمیت منظم‌تر می‌کند و خروجی بیشتری می‌دهد. نتیجه این برنامه‌ریزی‌ها مانند یک برند است که یک علقه و جایگاه و پایگاه ایجاد می‌کند. بحث اربعین مدام بســـط پیدا می‌کند. امام حسین (ع) برای ظهور فرزندش خود را برای همه دنیا آشکار می‌کند. بنابراین ما هم برای گسترش هیأت باید جهانی بیندیشیم. هر هیأتی باید با یک موکب عراقی مرتبط شـــود. همین امســـال موکب‌های عراقی را انتخاب کنید. سال بعد برای آن موکب و به نام آن امکانات بیاورید. به کام زائران، به پشتیبانی ما و به نام آن موکب. این برنامه را طراحی کنید.

بنابراین ما هم برای گسترش هیأت باید جهانی بیندیشیم. هر هیأتی باید با یک موکب عراقی مرتبط شود. همین امسال موکب‌های عراقی را انتخاب کنید. سال بعد برای آن موکب و به نام آن امکانات بیاورید.

می‌توان توسط عراقی‌ها در آنجا زمین خرید، وقف کرد و موکب ساخت و از ایران برای آن نذورات جمع‌آوری نمود. با افزایش تعداد زائرین بعضی از موکب‌های عراقی واقعاً تحت فشـــارند. امسال کمتر موکبی گوشـــت داشت. می‌شـــود یک بار اسم ما نباشد ولی حمایت ما باشد. این گمنامی، اخلاص است. قیام لله است. پیش‌قراولان هیأت می‌توانند زودتر بروند و موکب را برای پذیرایی از کاروان آماده کنند. دو نفر نیروی جوان جلوتر بروند تا قلابشـــان به یک موکب بند شود. مقداری پول هم به صاحب موکب بدهند و همانجا بایستند. بعد هم آن‌ها را به ایران دعوت کنند. البته این کار بدون پول انجام نمی‌شـــود. وقتی هیأتی با یک موکب مرتبط شود، سازماندهی هیأت توسعه می‌یابد. این موکب، امین اموال و زمین‌دار هیأت شده و به عقبه لجستیکی و تدارکاتی کاروان در عراق تبدیل می‌شود. حتی برای شما زمین نذری و موقوفه در کربلا و نجف پیدا می‌کند. اگر برای خدا بیاییم و اسم و نام برایمان مهم نباشد، برکاتش را خواهید دید.

این روابط باید عاطفی باشد. روابط باید قبیله‌ای و عشیره‌ای شود. باید رفت‌وآمد شکل بگیرد. ما باید عمق استراتژیک و راهبردی خود را با عراقی‌ها قوی‌تر و نزدیک‌تر کنیم. ما باید خاکریز انقلاب اسلامی را در مرزهای انقلاب اسلامی بزنیم. موضوع ما جمهوری اسلامی نیست. خاکریز انقلاب اسلامی را باید در مرزهای غربی عراق بزنیم. الان اگر با عراق همکاری نداشتیم، داعش به مرزهای ما رسیده بود. این امر دو طرفه است. دشمن که دست از دشمنی برنمی‌دارد. تازه بعد از همه این فتوحات جغرافیایی، دعوای فرهنگی شروع می‌شود. در آن زمان است که دعواهای فرهنگی شروع می‌شود و هیأت تو و هیأت او، تربیت تو و تربیت او، قرآن تو و قرآن او، ادبیات گفتمانی تو و ادبیات گفتمانی او، دانشجوی تو و دانشجوی او باب می‌شود. این قصه سر دراز دارد.

بنابراین باید با نگاه راهبردی و با نگرش ارتباط، تعامل، برادری و دوستی با عراقی‌ها به سفر اربعین رفت. تاآنجاکه اگر حتی بمب هم بترکد این دو ملت از هم جدا نشوند! این خیلی مهم است. اگر ما

چنین نگاهی به عراق داشته باشیم باید تیم‌های معماری ما مدینه المهدویه کوفه را طراحی کنند و مرکز فرماندهی و مدیریت حضرت را با ادبیات شهر مهدوی در کوفه بسازند.
باید به نکات مهم بسیاری فکر کرد. مثلاً اگر مسجد کوفه مقر حضرت است، اگر مسجد سهله خانه حضرت است، اگر صف نماز جماعت حضرت از کربلا تا کوفه ادامه دارد، شیوه شهرسازی برای حضرت باید چگونه باشد؟ چه تیم‌هایی برای شهرسازی باید در کوفه مستقر شوند؟ چرا غربی‌ها این‌قدر زیاد درباره امام زمان﴿ع﴾ مطالعه دارند و این‌قدر دقیق [ضربه] می‌زنند که [ظهور محقق] نشود. رندی می‌گفت: اصلاً چرا امام را به نجف تبعید کردند، نه به جایی دیگر؟ می‌خواستند بفهمند چه کسی با او ارتباط می‌گیرد. چرا گلوله آتش را فرستادند وسط انبار مهمات؟ می‌خواستند حوزه علمیه نجف را به‌هم بریزند؟ آن‌ها دنبال چیز دیگری می‌گشتند. یهودی‌ها امام (ره) را به نجف فرستادند. گفتند: این آدم، او (امام زمان﴿ع﴾) نیست. او بی‌صدا می‌آید ولی این خیلی سروصدا دارد. این او نیست ولی با او ارتباط دارد. آن‌ها این‌طوری رد ما را دنبال می‌کنند. ولی ما در عراق رد چه چیزی را داریم؟ دنبال چه چیزی می‌گردیم؟ در عتبات دنبال چه چیزی می‌گردیم؟
تربیت «مستشهدین بین یدیه» باید اتفاق بیفتد. به‌همین‌دلیل کاروانی که به کربلا می‌رود باید سازماندهی داشته باشد. من معتقدم راه سه‌روزه را باید پنج‌روزه رفت. باید پشت موکب‌ها کمپ‌های تربیتی ایجاد کنیم. این کار شماست. با تجربه‌ای که داریم فهمیدیم که تربیت، کار محورهای ما نیست. کار گروه تربیت محور این نیست. بلکه هیأتی‌ها باید خط را بشکنند و از این بستر استفاده کنند. این مسیر، مسیر تربیت «مستشهدین بین یدیه» است. مسیر اربعین، مسیری است که آن‌ها می‌گویند: ما بمب می‌گذاریم و ما می‌گوییم: ما می‌آییم. می‌گویند: شما را می‌کشیم ولی ما می‌گوییم: ما می‌آییم. می‌گویند: سرتان را می‌بریم. ولی ما می‌گوییم: ما می‌آییم. این یعنی

در این مسیر باید پشت موکب‌ها کمپ‌های تربیتی بزنیم و راه سه‌روزه را پنج‌روزه برویم و تا می‌توانیم دانش‌آموز بیاوریم؛ دانش‌آموز با ادبیات تربیت‌محور بیاورید؛ تا می‌توانید دانشجو و نخبه بیاورید؛ تا می‌توانید افراد اثرگذار بیاورید.

«قُـلْ یـا أَیهَا الَّذینَ هادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّکُمْ أَوْلِیاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ کُنْتُمْ صادِقین».[1] اینجا اولیاء لله تربیت می‌شـــوند. اینجا به ما درس شـــهادت می‌دهند. اینجا ســـیر از ولایت به‌سوی شهادت است. اینجا سیر از نجف تا کربلاست.

۱. جمعه، ۶.

دانش‌آمــوزان زائر باید روز حرکت کنند و شب در کمپ‌های تربیتی بنشــینند، بشنوند، گریه کنند، بخورنــد، بخوابند، بخندند، بازی کنند و روز بعد دوباره به مسیر ادامه بدهند. موقف بــه موقف ایــن مســیر باید نظام تربیتی داشته باشــد. این مسیر خودبه‌خود آدم را تربیت‌می کند.

ایجاد نظام تربیتی در مسیر کاروان‌های اربعین

در این مســیر باید پشت موکب‌ها کمپ‌های تربیتی بزنیم و راه ســه‌روزه را پنج‌روزه برویم و تا می‌توانیم دانش‌آموز بیاوریم. دانش‌آموز با ادبیات تربیت‌محور بیاورید. تا می‌توانید دانشجو و نخبه بیاوریــد. تا می‌توانیــد افراد اثرگذار بیاورید، نه افراد کم‌اثر و بی‌اثــر را. باتوجه‌به ظرفیت محدود کاروان‌ها باید نظام انتخاب مخاطب خود را مشخص کنید. گاهی می‌توانید نیروهای کادر خود را هم ببرید تا انســجام و قوت پیدا کنند. ولی الان مشکل ما فراتر از این حرف‌هاست. من معتقدم هیأتی‌ها می‌توانند این کار را انجام دهند. اصلاً مسئله، همین مسیر است. مسئله، همین قدم‌زدن و خلوت و بیابان‌گردی است. مسئله این است که ما باید به‌شکلی این مسیر را طی کنیم که یک شب بالاخره به خیمه ارباب برسیم. من احساس می‌کنم، آخرش همین است. چون درگیری اصلی در همین بیابان اســت. بنابراین باید متوجه باشیم که با چه انقطاعی، چه نگاهی، چه راهبردی،



چه برنامه‌ای و با چه عقبه استراتژیکی در این مسیر حرکت می‌کنیم. با کدام «بابی انت و امی» می‌رویم. آیا ما با حقیقت «بابی انت و امی و نفسی لک الوقاء و الحمی ... »[1] در مسیر اربعین حرکت می‌کنیم؟

دانش‌آموزان زائر باید روز حرکت کنند و شب در کمپ‌های تربیتی بنشینند، بشنوند، گریه کنند، بخورند، بخوابند، بخندند، بازی کنند و روز بعد دوباره به مسیر ادامه بدهند. موقف به موقف این مسیر باید نظام تربیتی داشته باشد. این مسیر خودبه‌خود آدم را تربیت می‌کند. ولی ما می‌توانیم اثر تربیتی آن را بیشتر کنیم. مثل اینکه بنزین روی آتش بریزیم.

بـــرای این جنس کاروان‌ها باید هیأتی‌ها فکر کنند. من امیدی به برنامه‌های دیگران ندارم. چون آن‌ها هنوز هم در مســـاجد بحث معارف می‌گویند. ما دنبال نوع دیگری از بند ناف قیچی‌کردن هستیم. تا بند ناف قیچی نشود، خون‌دل‌خوردن تمام نمی‌شود و شیر خوردن شروع نمی‌شود. پس برای این جنس کاروان، چه از نظر مخاطب، چه از نظر نوع ســـفر باید فکر کرد. شخصی در بازار نجف دکانش را سوراخ می‌کرد. به او گفتند: چرا دیوار دکانت را سوراخ می‌کنی؟ گفت: می‌خواهم پنجره‌ای بســـازم تا باد بیاید. به او گفتند: این را نگو. بگو پنجره می‌گذارم تا نگاهم به ایوان نجف بیفتد. باد هم خودش می‌آید. شـــما هم اگر با اهداف بلند حرکت کنید، کربلا و نجف و موکب و عزاداری هم می‌آید.

بنابرایـــن بایـــد با نگاه راهبـــردی و با نگـــرش ارتباط، تعامل، بـــرادری و دوستی با عراقی‌ها به سفر اربعین رفت. تاآنجاکه اگر حتی بمب هم بترکد این دو ملت از هم جدا نشوند!

۱. دعای ندبه.



اولویت‌بندی موضوعات در سفر اربعین

موضوع ما باید مخاطب باشد. موضوع کار ما باید موکب به موکب ارتباط با عراقی‌ها باشد. موضوع کار ما باید عمق راهبردی ارتباط این دو ملت باشـــد. تربیتی‌بودن مســـیر باید موضوع دیگر کار ما باشـــد. دراین‌صورت ســـفر، زیارت و اهداف دیگر هم به‌دست می‌آید. در چنین مسیری است که وقتی به کربلا برســـیم می‌توانیم زیارت بامعرفت داشته باشیم. حتی می‌توانیم زیارت همراه با مأموریت داشـــته باشـــیم. زیارت همراه با مأموریت در اثر معرفت است. گاهی انسان ناگهانی معرفـــت پیدا می‌کند و به او می‌گویند: صاحب معرفت. بعد هم به او مأموریت می‌دهند. به‌دلیل معرفت اســـت که به انسان مأموریت می‌دهند. شخصی می‌گفت: خودم دیدم وقتی حاج حسین قبل از تیرخوردن به پشت خاکریز می‌رفت، نیم‌متر از زمین بالاتر راه می‌رفت. دیگری می‌گفت: خودشـــان به من می‌گویند کجا برو. من که نمی‌توانم سرم را زیر بیندازیم و همین‌طور به کربلا

بروم. به‌همین‌دلیل غیر از ماه ذی الحجه هرچه به مکه بروید، حج عمره محسوب می‌شود. فقط در دهه ذی الحجه حاجی می‌شوید. کربلارفتن در دهه اربعین هم با سایر دهه‌ها تفاوت دارد. این دهه، دهه ذی الحجه کربلاست. دهه خاص است. در این دهه چند روز هم در بیابان هستید. دل‌ها رقیق می‌شود و با امام حسین علیه‌السلام دوست می‌شوید.

موضوع ما باید مخاطب باشد. موضوع کار ما باید موکب به موکب ارتباط با عراقی‌ها باشد. موضوع کار ما باید عمق راهبردی ارتباط این دو ملت باشد. تربیتی‌بودن مسیر باید موضوع دیگر کار ما باشد. دراین‌صورت سفر، زیارت و اهداف دیگر هم به‌دست می‌آید.



لزوم همفکری و همکاری هیأت‌ها برای انجام کارهای بزرگ

در این جلسه هیأت‌هایی هستند که کاروان دارند. برای عمق‌دادن به کاروان باید همفکری کرد و مباحث این جلسات را جمع‌بندی نمود و کار را از یک نقطه شروع کرد. قبل از شلوغی ایام اربعین می‌توان در مناسبت‌هایی مثل نیمه شعبان یا راهیان نور با راه‌اندازی کاروان به‌عنوان رزمایش، برای ایام اربعین آماده شد. البته باید تبلیغ شود که این‌ها کاروان اربعین هستند که به مراسم نیمه شعبان آمده‌اند یا عازم اردوی راهیان نور هستند. در این تجمعات، زیرساخت‌های قابل‌استفاده دیگری هم وجود دارد. پس در موضوع اربعین باید نسبت به مخاطب، نظام، حرکت و محتوا بازنگری کرد. شما با مطالعاتی که دارید و مخاطبان منبر و هیأت خود می‌توانید ابعاد بیشتری از این موضوع را باز کنید.



حرکت‌های مردم‌نهاد، محور حرکت‌های آینده

در هر جایی که برای انقلاب اســـلامی کم گذاشـــتیم و مجاهدت نکردیـــم، خلاف وضع موجود بروکراتیـــک حرکت نکردیم و حاضر نشـــدیم بجنگیم و به تکلیف الهـــی خود عمل کنیم، [ضرر کردیم]. گاهی باید ساکت شویم و گاهی باید حرکت کنیم. اگر خوب سازماندهی کنیم، ندای «أنا بقیةالله» حضرت که بلند شود این سازماندهی مفید است. در سازماندهی اربعین، موضوع اربعین مطرح نیست. بلکه موضوع یک سازماندهی پیچیده، حرفه‌ای و تخصصی است. شما با یک هیأت در آن گوشه دنیا یک مأموریت انجام می‌دهید. به‌نظر می‌رسد سازماندهی‌های آینده، سازماندهی مردم‌نهاد است. آینده متعلق به گفتمان برتر است، نه پول و زور بیشتر. آینده متعلق به سازمان‌های مردم‌پایه است. چون اقتصاد پایه است و سازمان مردم‌نهاد با تکیه بر اقتصاد خود حرکت می‌کند. ســـازمان‌های مردم‌نهاد با امکانات، پول و توان خود حرکت می‌کنند. مطمئن باشید همان‌طور که از خروجی راهیان نور و جنگ به مأموریت‌های بزرگ‌تر دیگری رسیدیم، از خروجی اربعین هم به مأموریت‌های بزرگ‌تر و فراتر از آنچه امروز به آن فکر می‌کنیم، وارد می‌شـــویم. باید سطح نگرش هیأت و ســـطح سازماندهی را بالا ببرید. امروز موضوع ما ســـازماندهی است، نه محتوا و آموزش. نیروهایتان را به‌روز کنید. من روزی به ســـردار همدانی گفتم: شـــما در مدیریت گردان‌های امام حسین علیه‌السلام دچار یک اشتباه شده‌اید. فرماندهان گردان امام حسین علیه‌السلام باید مسئولین هیأت‌ها باشند. این بچه‌ها برای مداح، سخنران و سید می‌میرند. برای همین اگر به او بگویید برو، می‌گوید می‌روم. آن روزی که فرزندانتان اهل تیر و تفنگ و انقطاع شده و پای کار دین خدا آماده شهادت شدند، یک سینه‌زن می‌شوند. مأموریت ما، فراتر از این حرف‌هاست. ما روی شما و هیأت‌های شما خیلی قســـم خورده‌ایم! ما از سر شوخی نام «جبهه فرهنگی» را انتخاب نکرده‌ایم. ما نام تشکل، بنیاد، سازمان و حزب را انتخاب نکردیم. بلکه نام جبهه فرهنگی را انتخاب کردیم. چون باید جبهه‌ای فکر کنیم. جبهه یعنی هر جایی که جنگ لنگ می‌زند، باید وارد عمل شد.

هیأتِ تراز انقلاب اسلامی

همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود. همان هیأتِ الگویی که گوشه گوشه و لحظه‌لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر باشد. هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور... ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید. اما لازم است و ضروری...

***

در فانوس، فانوس به دست گرفته‌ایم و می‌کوشیم تا شاید بتوانیم برخی از ابعاد مختلف هیأت تراز انقلاب اسلامی را روشن کنیم.





۰۲۵ ۳۲۹۲ ۸۹ ۵۱
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org